۳- هرگاه هردولب مثل شگوفهٔ گل باهم جمع شده وبایکدیگر پیوست نگردند (و) بدون مد ادا میشود.

یاداشت :-

حروف مده سه اند (و) ساکن ، (ی) ساکن و (الف) ساکن .
این حروف در حالات ذیل حروف مده بحساب میروند .
۱- زمانیکه حرف ماقبل (و) ساکن ضمه (پیش) داشته باشد مانند اٰمَنُوا .
۲- هنگامیکه حرف ماقبل (ی) ساکن کسره (زیر) داشته باشد مانند قِیْلَ .
۳- هنگامیکه حرف ماقبل (الف) فتحه (زبر) داشته باشد مانند قَالَ.
هرسه حرف فوق الذکر از خالیگاهٔ دهن میبرایند وکدام تکیه گاه مستقلی ندارند ، که درلفظ نُوْحِیْهَا مثال هرسه مد واضح دیده میشود .
تبصره : (م) و (ن) مشدد (شدوار) را حروف غنه دار گویند وغنه آوازیست که از خیشوم (بیخ بینی) میبراید .

تمرین

۱- تجوید چیست و چه فایده دارد ؟
۲- حروف هجای لسان عربی چند و مخارج آن ها چگونه معلوم شده میتوانند؟
۳- حروف زبان عربی دارای چند مخرج میباشند ؟
۴- تعداد دندانهای یک انسان بالغ چند میباشد و بکدام اسما یاد میگردد ؟
۵- مخارج کدام حروف در حلق میباشند ؟
۶- مخارج کدام حروف در دهن میباشند ؟
۷- مخارج کدام حروف در خود لب ها میباشند ؟
۸- غنه چیست و حروف غنه دار کدام اند ؟

فصل دوم

مد، اقسام و احکام آن

۱- مد :-

مد در لغت طول دادن را گویند و به اصطلاح علم تجوید در صورت موجودیت سبب مد به اندازهٔ یک الی سه الف طویل تلفظ کردن حرف مد است.

حروف مده سه و عبارت از (و ، الف ، ی) میباشند.

هریک ازین سه حروف ، زمانی حرف مد نامیده میشود که خودش ساکن و حرکت حرف ماقبلش از جنس خود آن باشد یعنی حرف ماقبل (و) ساکن ضمه (پیش) ، حرف ماقبل (الف) فتحه (زیر) و حرف ماقبل (ی) ساکن کسره (زیر) داشته باشد.

سبب مد غیر طبعی سکون و همزه میباشد یعنی هرگاه بعد از حرف مد همزه یا حرف ساکن بیاید ، این را سبب گویند و حرف مد کش کرده شده و به صدای طویل خوانده میشود و مد غیر طبعی که آنرا مد طویل نیز گویند ادا میگردد.

اقسام مد

مد بصورت عموم دو قسم است :

۱- مد طبعی یا مد قصیر (کوتاه) ۲- مد غیر طبعی یا مد طویل (دراز) .

۱- مد طبعی یا مد قصیر :- مد طبعی مدیست که بعد از حرف مده سکون یا همزه نباشد و کش کردن آن به اندازهٔ یک الف حتمی است مانند مِنْ جُوْعٍ - قَالَ لِاِیْلَافِ و نُوْحِیْهَا . اکثر مدهای قرآنکریم ازین قسم (مدهای قصیر) میباشند .

۲- مد غیر طبعی یا مد طویل :-

مد غیر طبعی مدی راگویند که بعد از حرف مد همزه یا سکون بیاید ، و بر هفت نوع است .

۱- مد متصل :- چنانچه از اسم آن آشکار است مد متصل مدی را گویند که حرف مد و سبب آن در یک کلمه آمده باشد مثل طَآئِفٌ - هٰٓؤُلَآءِ - سُوْٓءَ - جِیْٓءَ .

در کلمات فوق حروف مد یعنی (و ، الف ، ی) و همزه که سبب مد شده است در یک کلمه آمده و آنرا مد طویل متصل گویند .

۲- مد منفصل :- مد منفصل مدی را گویند که حرف مد در یک کلمه و سبب آن (سکون یا همزه) در کلمهٔ دیگری آمده باشد . مثل قَالُوٓا اٰمَنَّا - فِيٓ اٰذَانِهِمْ - فِيمَآ اٰتٰهُمَا .

۳- مد عارض لسکون :- مدی است که سبب مد آن (سکون) اصلی نباشد بلکه بواسطهٔ عارضه (وقف) ساکن میشود مانند : نَسْتَعِينُۥ ط كَافِرُونَ ط يُوقِنُونَ ط .

۴- مد مثقل کلمی :- مدی را گویند که حرف مد و سبب آن (سکون) در یک کلمه آید و سبب آن در ضمن مشدد باشد مانند : حَآجَّ - وَلَا الضَّآلِّينَ . دَآبَّةٌ .

۵ مد مثقل حرفی :- مدی را گویند که حرف مد و سبب آن (سکون) که ضمناً مشدد نیز میباشد بر یک حرف آید مثل الٓمٓ - الٓمٓصٓ - طٰسٓمٓ .

۶- مد مخفف کلمی :- مدی را گویند که حرف مد و سبب آن (سکون غیر مشدد)

در یک کلمه آید مانند آلْـئٰنَ .

۷- مد مخفف حرفی :-

مد را گویند که حرف مد و سبب آن (سکون غیر مشدد) بر یک حرف آید مثل نٓ (نون)، قٓ (قاف)، صٓ (صاد).

۳- احکام مد

حکم مد طبعی اینست که مد به اندازه دو حرکت (یک الف) کش گردد.

حکم مد متصل اینست که به اندازه شش حرکت (سه الف) کش شود.

حکم مد متصل کلمی، مخفف کلمی، مخفف حرفی و مثقل حرفی طوری است که کش کردن آن تا شش حرکت (سه الف) لازم است.

حکم مد متصل و عارض لسکون اینست که کش کردن آن از دو حرکت (یک الف) الی سه الف جواز دارد.

اگر قبل از (ی) ساکن و (و) ساکن حرف فتحه دار آمده باشد پس اینچنین (ی) (و) را حرف لین گویند که مد کردن آن تا اندازهٔ سه الف جائز است مثل مِنْ خَوْفٍ، ذُالْاَیْدِ .

تمرین

۱- مد چیست ؟

۲- حروف مد کدام اند ؟

۳- مثال مد قصیر را بگوئید .

٤- در قرآنکریم اکثر مد ها از کدام قسم میباشند ؟

۵- فرق بین مد متصل و منفصل چیست با مثال واضح سازید ؟

٦- فرق بین مد مثقل و مخفف کلی چیست ؟

۷- فرق و مثالهای مد مثقل و مخفف حرفی را بگوئید ؟

۸- حکم مد طویل و مد قصیر از هم چه فرق دارد ؟

۹- حروف لین کدام اند و مد کردن آنها تا کدام اندازه جواز دارد ؟

۱۰- مد عارض لسکون را تعریف نموده و مثال آنرا بگوئید ؟

۱۱- در رده (۱۰) سورهٔ اخیر پارهٔ (۳۰) قرآنکریم انواع مختلف مد ها را نشان دهید .

فصل سوم

احکام نون ساکن[1] و تنوین

هرگاه درکدام کلمه ما قبل حروف هجا نون ساکن و یا تنوین قرار گیرد در قرائت کلمه چهار حکم موجود میگردد: ادغام، اقلاب، اظهار، اخفاء.

۱- ادغام: ادغام درلغت داخل نمودن یک چیز در چیزی دیگر است، اما بصورت اصطلاحی ادغام چنین تعریف میگردد.

الف: به اصطلاح صرفی ها هرگاه دو حرف همجنس دریک کلمه پیهم بیایند در حالیکه حرف اول ساکن و دومی متحرک باشد، حرف اول در دوم مدغم میشود واین نوع ادغام درسه حالت ذیل صورت میگیرد.

۱- دوضمه (اً) دوفتحه (اً) و دوکسره (اٍ) راتنوین گویند که بشکل حرف نبوده وتابع حرکت حرف آخر کلمه میباشد درحالیکه نون ساکن شکل حرف را دارا میباشد مثل عَنْ، من، اما دراصل نون ساکن و تنوین دارائی حکم واحد اند.

۱- ادغام جنسین :-

اگر دریک کلمه دو حرف از یک جنس (یک مخرج) پیهم بیایند آنرا ادغام جنسین گویند مانند : قَدْ تَّبَیَّنَ - اِرْکَبْ مَّعَنَا - یَلْهَثْ ذّٰلِکَ - وَاِذْ ظَّلَمَ - بَسَطْتَّ .

۲- ادغام مثلین : اگر دریک کلمه دو حرف یکسان پی هم بیایند آنرا ادغام مثلین گویند مانند : فَقُلْنَا اضْرِبْ بِّعَصَاکَ الْحَجَرَ فَمَا رَبِحَتْ تِّجَارَتُهُمْ .

۳- ادغام متقاربین :- اگر دریک کلمه دو حرف طوری پی هم بیایند که مخارج آنها با هم نزدیک باشند آنرا ادغام متقاربین گویند مانند نَخْلُقْکُّمْ - قُلْ رَّبِّ .

ب : به اصطلاح علم تجوید زمانیکه بعد از نون ساکن یا تنوین یکی از حروف مندرج در کلمه "یرملون" بیایند ادغام صورت میگیرد و بر دو نوع است:

الف : ادغام با غنه :- هرگاه بعد از نون ساکن یا تنوین یکی از حروف یمنو (ی ، م ، ن ، و) قرار گیرد در اینصورت ادغام با غنه ادا میگردد مثل مَنْ يَّشَاءُ - خَيْرٌ اَيَّرَهُ - مِنْ مَّسَدٍ .

ب - ادغام بدون غنه :- هرگاه بعد از نون ساکن یا تنوین یکی از حروف لر (ل ، ر) واقع شود در اینصورت ادغام بدون غنه ادا میگردد مثل اَنْ لَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ مِنْ رَّبِّهِمْ .

۲- اقلاب :- اقلاب در لغت تبدیل نمودن یک چیز به چیزی دیگر است و در اصطلاح علم تجوید هرگاه در یک کلمه بعد از نون ساکن یا تنوین حرف «ب» قرار گیرد اقلاب صورت میگیرد یعنی حرف نون یا تنوین به (م) تبدیل میگردد : مثل مِنْ بَعْدِ ، يَنْۢبَغِي

۳- اظهار :- اظهار در لغت بمعنی آشکار کردن است و در اصطلاح علم تجوید جدا کردن دو حرف است طوریکه هرگاه بعد از نون ساکن یا تنوین

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اول

تجوید

ضرورت خواندن تجوید : قرآن عظیم الشان کلام خداوند متعال و معجزهٔ رسول مقبول آنحضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم است که ما را به راه راست اسلام هدایت میکند . ما مسلمانان بر قرآن ایمان داریم و عمل بر احکام آن سعادت دنیا و پیروزی آخرت خود میدانیم.

برای اینکه طبق هدایات این رهنمائی روشن عمل کنیم باید معانی و مفاهیم آیات آنرا درک نمائیم و بخاطر خواندن و تلاوت کردن صحیح قرآن عظیم الشان باید خود را باعلم تجوید آشنا سازیم .

یکی از حروف حلق (ء ، هـ ، ح ، خ ، ع غ) واقع شود نون ساکن یا تنوین اظهار شده و از حرف بعدی جدا تلفظ میگردد ، زیرا نون از ابتداء دهن تلفظ شده ولی حروف حلق در اخیر دهن یعنی حلق ادا میشود مثل عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى اَجْرًا عَظِيمًا ، عَلِيمٌ حَكِيمٌ ، مِنْ خَيْرٍ ه

۴ ـ اخفاء : اخفاء در لغت بمعنی پنهان کردن است و در اصطلاح علم تجوید هرگاه بعد از نون ساکن یا تنوین غیر از حروف اظهار ، ادغام و اقلاب یکی از پانزده حروف دیگر هجا چون (ت ، ث ، ج ، د ، ذ ، ز ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ف ، ق ، ك) واقع شود .

در اینصورت اخفاء با غنه صورت میگیرد یعنی مخرج نون ساکن یا تنوین به مخرج حرف اخفاء انتقال یافته و نون ساکن یا تنوین در آنجا ادا میگردد یا به عبارت دیگر هرگاه بعد از نون ساکن یا تنوین یکی از حروف اخفاء بیاید نون ساکن یا تنوین طور متوسط بین اظهار و ادغام ادا میگردد .

مثل وَلَنْ تَفْعَلُوا ، مِنْ سِجِّيلٍ ، مِنْ جُوعٍ

اوقاف و رموز

اوقاف جمع وقف بوده و وقف بمعنی ایستادن و درنگ کردن است و در اصطلاح علم تجوید وقف عبارت از ساکن گردانیدن حرف اخیر یک کلمه است بواسطه قطع نمودن آواز و نفس .

رموز اوقاف :-

مـ: علامهٔ وقف لازم است .

ط: علامهٔ وقف مطلق است .

ج: علامهٔ وقف جایز محسوب شده که البته وقف در آن جا بهتر بوده ووصل آن نیز جایز میباشد .

ص: علامهٔ وقف مرخص است که وقف و وصل آن هردو جائز است .

لا: علامهٔ عدم وقف است .

○: علامهٔ آیت بوده که وقف برآن مستحب شمرده میشود .

سکته: علامهٔ ساکن گردانیدن حرف آخر کلمه است طوریکه آواز قطع شود ولی نفس قطع نگردد . سکته در قرانکریم دایماً در اخیر کلمه مربوط تحریر گردیده است .

ز :- علامه وقف مجوز است که وصل آن بهتر و وقف آن جائز است .
قف : امر به وقف نمودن است .

تمرین

۱- لِاِیْلٰفِ قُرَیْشٍ اٖلْفِهِمْ ... الآیه درین آیه مبارکه در تنوین کلمه «قریش» اظهار صورت میگیرد یا اخفاء ؟

۲- اَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوْعٍ وَّاٰمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ : درین آیه مبارک مواضع اظهار، ادغام و اخفا را نشان دهید ؟

۳- لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهٖ ٥ درین آیه مبارکه ادغام، غنه و بی غنه را تشخیص دهید ؟

۴- هرگاه هنگام تلاوت قرآنکریم متوجه شوید که در ختم آیت یکی از حروف ط ، لا و یا قف نوشته شده است وقف خواهید کرد یا وصل؟

۵- در سوره اول پارهٔ (۳۰) قرآنکریم مواقع ادغام، اقلاب ، اظهار و اخفاء را دریابید ؟

۶- تجوید خوانده شده را در پاره آخر قرآنکریم تطبیق نمائید ؟

تعریف: تجوید در لغت تحسین (خوب کردن) را گویند. و در اصطلاح علمیست که از مخارج (جاهای خروج) حروف هجا و صفات آنها بحث میکند.

موضوع: موضوع تجوید آیات قرآنکریم است طوریکه به هریکی از حروف آنها حق داده شود که از لحاظ مخارج و صفات صحیح تلفظ گردد.

غرض: هنگام تلاوت (قرائت) کلام الله (قرآن کریم) نگهداشتن زبان قاری است از زیادت و نقصانیکه بصورت سهو و یا خطا باشد.

فایده: سعادت و پیروزی دنیا و آخرت است.

حکم: حکم تجوید بر هر مسلمان مرد و زن که مکلف باشد فرض کفائی و عمل آنها بر آن فرض عین است زیرا که خداوند متعال میفرماید: وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ط ترجمه: و واضح بخوان قرآن را واضح وقفه وقفه.

مقصد از واضح تلاوت کردن قرآنکریم تلاوت صحیح و درست آنست، و راه رسیدن به این مقصد آموزش علم تجوید میباشد که ما را با درست تلاوت کردن قرآنکریم آشنا میسازد و ما قسمتی از تجوید را درین کتاب میخوانیم.

حروف هجا و مخارج آن

حروف هجای لسان عربی ۲۹ و قرار ذیل میباشند :

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ
ع غ ف ق ک ل م ن و ء ه ی .

مخارج حروف هجا :-

مخارج جمع مخرج و مخرج جای خروج را گویند . در علم تجوید مخرج حرف جائی است که هنگام تلفظ از آنجا می برآید . چنانچه لب ها مخرج و یا جای ادا کردن حروف (ب ، ف ، م ، و) است .

قاعدهٔ آسان شناخت مخارج حروف هجا اینست که همزهٔ فتحه (زبر) دار قبل از حرف ساکن آورده شود و بعداً هر دو تلفظ گردند، مخرج آن معلوم میشود. مثلاً اگر همزهٔ فتحه دار (اَ) را بر « ب » ساکن (بْ) داخل نمائیم پس از آن « آبْ » ساخته میشود، و هنگامیکه آنرا تلفظ نمائیم معلوم میگردد که مخرج (ب) بین هر دو لب است.

تقسیمات مخارج حروف هجا

قرآنکریم به لسان عربی است و ۲۹ حروف لسان عربی در سه جای مختلف ادا میشوند: حلق، دهن، شفتین.

مخارج حروف عقریب به سینه از قسمت ابتدائی حلق بطرف دهن و لبها بالترتیب چنین طبقه بندی شده اند.

اول مخارج حلق :-

حلق دارای سه مخرج است که شش حرف از آنها خارج میگردند.

۱- همزه و « هـ » از ابتدای حلق می برآید.

۲- «ع» و «ح» از وسط حلق می برایند .
۳- (غ) و (خ) از انتهای حلق می برایند .

دوم مخارج دهن :- دهن دارای ده مخرج است که هجده حرف ذیل از آنها خارج میگردند .

ق ، ک ، ج ، ش ، ی ، ض ، ل ، ر ، ن ، ت ، د ، ط ، ذ ، ث ، ظ ، ز ، س ، ص .

چون اکثر این حروف به کمک دندانها ادا میشوند پس اولتر از همه باید اقسام دندانها را بشناسیم .

تقسیمات دندانها :-

تعداد دندانهای انسان بالغ اکثراً (۳۲) میباشد که (۱۶) دندان در فک علیا و (۱۶) دندان در فک سفلی قرار دارند .

دندانهای انسان به چهار نوع تقسیم شده اند :-

ثنایا ، رباعیات ، انیاب ، اضراس .

۱- ثنایا :- چهار دندان روبروی فک علیا و فک سفلیٰ را ثنایا گویند.

۲- رباعیات :- دندانهای رباعیات چهار میباشند که بطرف راست و چپ دندانهای ثنایا در فک علیا و سفلی یک یک واقع است.

۳- انیاب :- دندانهای انیاب نیز چهار میباشند که در پهلوی دندانهای رباعیات فک علیا و سفلی قرار دارند.

۴- اضراس : تعداد دندانهای اضراس بیست و برسه نوع است.

الف ضواحک : تعداد دندانهای ضواحک (۸) میباشد که در پهلوی دندانهای انیاب در فک علیا و سفلیٰ واقع اند.

ب طواحن :- طواحن دوازده (۱۲) دندان است که در فک علیا و سفلیٰ در پهلوی دندانهای ضواحک قرار دارند.

ج : نواجذ : ـ تعداد دندانهای نواجذ چهار است که در پهلوی دندانهای طواحن واقع میباشند ، اما بعضی مردم آنها را ندارند .

شکل دندانها ـ

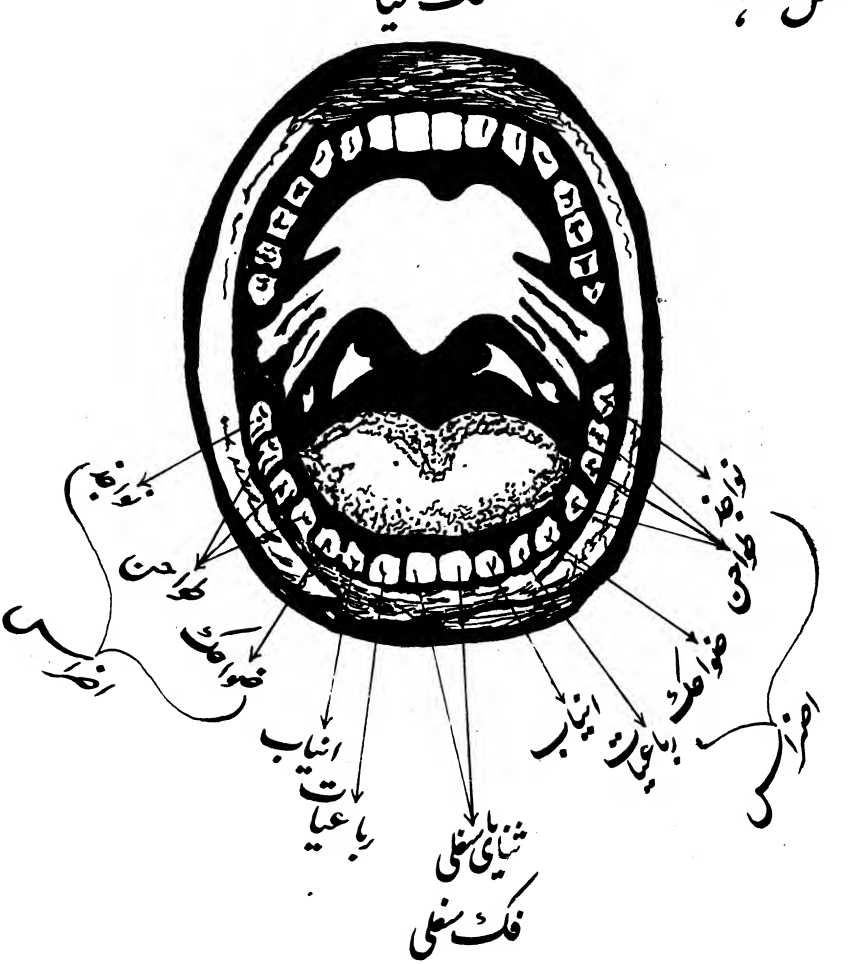

مخارج دوازده گانه هجده (۱۸) حرف در دهن :-

۱- هرگاه زبان با حلقوم پیوست گردد، حرف (ق) ادا میگردد.
۲- اگر کمی بالاتر از مخرج قاف زبان با حلقوم پیوست گردد، حرف (ک) از آنجا می برآید.
۳- اگر قسمت وسطی زبان با حلقوم مقابل پیوست گردد حروف (ج، ش، ی) ادا میگردند.
۴- هرگاه یک پهلوی زبان با دندانهای اضراس (معمولاً طرف چپ) پیوست گردد حرف (ض) ادا میشود، اما متوجه باید بود که (ض) مثل (ظ) یا (ذ) ادا نگردد.
۵- هرگاه نوک زبان با بیخ دندانهای ثنایای علیا پیوست گردد، پس حرف (ل) از آنجا می براید.
۶- هرگاه نوک زبان کمی پائین تر از مخرج لام با بیخ دندانهای رباعیات پیوست گردد، از آنجا حرف (ن) خارج میگردد.

۷- هرگاه پشت نوک زبان با بیخ ثنایای علیا پیوست گردد حرف (ر) برآن ادا میگردد

۸- هرگاه نوک قسمت فوقانی زبان با نوک ثنایای علیا پیوست گردد حروف (ت، د، ط) از آنجا می برایند.

۹- هرگاه نوک زبان با نوک ثنایای علیا پیوست گردد حروف (ث، ذ، ظ) از آن خارج میگردند.

۱۰- هرگاه طرف فوقانی زبان با وسط ثنایای فوقانی وتحتانی پیوست گردد حروف (ز، س، ص) ادا میگردند.

سوم مخارج شفتین (لبها) :- لبها مخرج چهار حرف پنداشته میشوند.

۱- هرگاه قسمت وسطی لب پایان با نوک ثنایای علیا پیوست گردد حرف (ف) از آن خارج میگردد.

۲- هرگاه لبهای بالا و پایان با هم پیوست گردند حروف (ب و م) ادا میشوند.

AFGHANISTAN EDUCATION COMMITTEE

تجوید

برای صنف ششم

سال ۱۳۶۶-هـ ش

تجوید

برای صنف ششم

سال ۱۳۶۶ـ هـ ش

مؤلف :

روژه گل « وحدتي »

اعضاء مشورتي :

باطن شاه «صافی» و محمدآمین «مدقق»

بسم الله الرحمن الرحيم